

تہران قدیم

م حسن پٹی



انتشارات قنوس

۴۸۰ ص.: مصور، نمونه، عکس.

ISBN: 978-964-311-470-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
کتابنامه: ص. ۴۷۸ - ۴۸۰.
۱۳۸۲.

۱. تهران - اوضاع اجتماعی - قرن ۱۳ ق. ۲. تهران - آداب و رسوم. الف. عنوان.
DSR ۲۰۷۹/۸۶۵ ۹۵۵/۱۲

۲۰۵-۶۷م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

م. حسن بیگی

تهران قدیم

چاپ هفتم

۱۵۰۰ نسخه

۱۳۸۸

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۴۷۰ - ۳۱۱ - ۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-311-470-1

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۷۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	حاشیه‌یی بر متن
۱۷	تهران، چگونه تهران شد؟
۲۳	- تهران دارالخلافه شد
۲۶	- دروازه‌ها و محلات تهران
۳۷	تهران به روایت بیگانگان
۳۸	- پیتر دلاواله
۳۹	- ارنست ژوبر
۴۲	- ژنرال گاردان
۴۲	- ژاک موریه
۴۲	- اوزلی - کریپتر
۴۶	- اوژن فلاندن
۴۷	- ژول لوران
۴۹	- مادام دیولافوا
۵۳	- مادام وولفسن
۵۵	- ویلیام جاکسن

۵۹	توپخانه، مرکز تهران
۶۲	- تجدید بنای توپخانه
۶۸	- توپ مروارید
۶۹	- توپ مروارید و زنان نازا
۷۱	شمس‌العماره و ماجراهایش
۷۱	- چگونگی ایجاد شمس‌العماره
۷۲	- ابتکار يك روحانی
۷۴	- شمس‌العماره و باورهای عامیانه
۷۶	- ساعت عجیب و غریب
۷۷	- عروسی نامیمون
۸۳	ارگ سلطنتی و ویژگی‌هایش
۸۶	- ساختمان‌های داخل ارگ
۹۶	- حرمخانه و خوابگاه
۱۰۴	- آداب شام و نهار در اندرون
۱۰۴	- شرح بعضی از تفریحات شبانه
۱۰۶	- شرح خوابگاه و آداب خواب
۱۱۱	... و گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی مردم
۱۱۹	- سیمای اقتصادی تهران
۱۲۲	- بازارها و بازارچه‌های تهران
۱۳۵	پوشاک مردم در تهران قدیم
۱۳۹	- تن‌پوش مردان
۱۴۲	- نگاهی به لباس‌های زنانه
۱۴۸	- روایت بیگانگان
۱۵۵	از کجاوه و پالکی تا ماشین دودی و اتومبیل
۱۵۶	- وسایل نقلیه‌ی شخصی
۱۵۸	- واگون اسبی و ماجراهایش
۱۶۱	- مسافرت و ماشین دودی
۱۶۶	- سنکل و شمایل ماشین دودی

- ۱۶۸ - سابقه راه آهن در ایران
- ۱۷۱ - ورود ماشین به تهران
- ۱۷۴ - مشکلات اتومبیل شاهانه
- ۱۷۵ - اتومبیل و سیاست
- ۱۷۶ - سیمای اتومبیل‌های اولیه
- ۱۷۹ - نگاهی به عوارض اتومبیل‌ها
- ۱۸۱ - درس معلم ار بود زمزمه محبتی
- ۱۸۴ - نخستین مدرسه‌ی جدید
- ۱۸۸ - اعزام دانشجوی به خارج
- ۱۸۹ - بازتاب تحصیل در فرنگ
- ۱۹۰ - سایر مدارس جدید
- ۱۹۳ - مدارس قدیمه تهران
- ۱۹۵ - طب و درمان در تهران قدیم
- ۱۹۶ - معالجه به کمک خرافات
- ۱۹۸ - از ابو علی سینا تا دکتر تولوزان
- ۲۰۱ - مقاومت در برابر آبله‌کوبی
- ۲۰۳ - داروخانه‌های تهران
- ۲۰۵ - دردهای بی‌دوا
- ۲۰۷ - حجامت و زالواندازی
- ۲۰۸ - نخستین بیمارستان‌های تهران
- ۲۱۰ - بیماران قلبی روی تخت بیمارستان
- ۲۱۳ - داستان روشنائی تهران
- ۲۱۶ - چراغ موشی و شب‌های چراغانی
- ۲۱۷ - ورود اولین کارخانه‌ی برق
- ۲۱۹ - کنجکاو و بی‌تفاوتی مردم
- ۲۲۳ - چگونگی ایجاد پست و پستخانه
- ۲۲۵ - سابقه‌ی پست در تهران
- ۲۲۸ - چگونگی ارتباطات در تهران قدیم

۲۳۰	- پیدایی پست هوایی
۲۳۲	- از سرای امیر تا پستخانه‌ی فعلی
۲۳۲	- انتشار تمیر در تهران
۲۳۵	- استقرار نظم و ایجاد اداره‌ی نظمیه
۲۳۸	- نخستین شورش همگانی
۲۳۹	- ایجاد اداره‌ی پلیس
۲۴۳	- آغاز مخالفت‌ها
۲۴۶	- ایجاد محکمه‌ی خلاف
۲۵۱	- مجرمین و مجازات‌ها در تهران قدیم
۲۵۴	- وضعیت انبار شاهی
۲۵۶	- تغییر وضع زندان‌ها
۲۵۸	- چوب و فلک، تنبیه رایج
۲۶۰	- انواع دیگر مجازات‌ها و تعزیرات
۲۶۱	- بریدن دست و کور کردن چشم
۲۶۷	- رگ زدن محکومین
۲۶۷	- خفه کردن محکومین در حضور شاه
۲۶۷	- دار زدن محکومین
۲۷۳	- اعدام‌های در یادماندنی
۲۸۱	- ایجاد باغ وحش در تهران دیروز
۲۸۸	- دیوانگی‌های شاهانه
۲۹۰	- اولین راه شوسه‌ی تهران
۲۹۳	- ماجرای عجیب و باورنکردنی
۲۹۳	- قهوه‌خانه و قهوه‌خانه‌نشینی در تهران
۲۹۵	- معادگاه اهل فضل
۲۹۹	- تولد دوباره قهوه‌خانه
۳۰۵	- قهوه‌خانه‌های سیار
۳۰۹	- سوگواری تهران‌نشین‌ها
۳۱۴	- تکیه‌های تهران

- ۳۱۸ - ایجاد تکیه دولت
- ۳۲۸ - نحوه برگزاری تعزیه
- ۳۳۲ - آخر و عاقبت تعزیه
- ۳۳۴ - نظری به تعزیه و تعزیه‌خوانی
- ۳۳۵ - بارگاه یزید و خلیفه بیمار
- ۳۳۹ - هنری برخاسته از متن جامعه
- ۳۴۱ - شمایل‌گردانی چیست؟
- ۳۴۵ - دلک‌های سرشناس پایتخت
- ۳۵۰ - و اما کریم شیرهای
- ۳۵۵ - تفریحات و سرگرمی‌های مردم
- ۳۵۸ - معرکه‌گیری و مسأله‌گویی
- ۳۶۱ - گردش در باغات و لوطی‌عنتری‌ها
- ۳۶۲ - ترنا، بازی همه‌گیر
- ۳۶۵ - تفریحات زنانه
- ۳۶۶ - سیاه‌بازی
- ۳۶۷ - تولد تماشاخانه در تهران
- ۳۷۱ - ویژگی شخصیت‌های سیاه‌بازی
- ۳۷۳ - خیمه‌شب‌بازی
- ۳۷۴ - بندبازی و عملیات آکروباوسی
- ۳۷۷ - پیدایش و تکامل سینما در تهران
- ۳۸۰ - از تصور تا تعبیر
- ۳۸۲ - سینماهای بعدی
- ۳۸۵ - شهر، شهر، فرنگه، خوب تماشا کن
- ۳۸۸ - سینمای موزیکال
- ۳۹۱ - ورود فیلم‌های داستانی
- ۳۹۳ - از بانك شاهنشاهی تا بانك ملی
- ۳۹۴ - تأسیس بانك شاهنشاهی
- ۳۹۶ - بانك استقراضی روس

۳۹۹	- سابقه‌ی عملیات بانکی در تهران
۴۰۰	- نگاهی به گذشته‌ی بانکداری در تهران
۴۰۳	- تأسیس بانک ملی
۴۰۷	وضعیت روزنامه و روزنامه‌نگاری
۴۱۰	- وضع مطبوعات در زمان ناصرالدین شاه
۴۱۳	- اعمال سانسور در ایران
۴۱۵	- انتشار روزنامه‌های فرانسوی در تهران
۴۲۱	ورود دوربین عکاسی و فیلمبرداری به تهران
۴۲۷	- عکاس‌های سرشناس تهران قدیم
۴۳۱	- اولین عکاس زن
۴۳۲	- عکس رجال با بدن حیوانات
۴۳۳	- ساختمان دوربین عکاسی
۴۳۴	- تأسیس عکاسخانه
۴۳۹	- فیلم و فیلمبرداری در تهران
۴۴۱	زنبورك و زنبورك‌خانه
۴۴۵	نصاویر
۴۷۸	منابع و مآخذ مورد استناد

حاشیه‌ای بر متن

بیست و چند سال پیش، یعنی آنوقت‌ها که تهران وسعت و جمعیت امروز را نداشت و مجموع جمعیت آن از دو میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد، نویسنده‌ای آگاه که ضمناً به داشتن قلمی شیرین و نکته‌پرداز هم معروف است، طی مقاله‌ای که در یکی از مطبوعات آن زمان به چاپ رسید نوشت که:

«... حدود بیست سال است تهران قریب يك میلیون و نیم نفر از مردم جوان و فعال این کشور را خورده و مثل تیزاب سلطانی در خود حل کرده. یعنی جمعیت عادی پانصد هزار نفری خود را (که اکثراً پیر و فرتوت یا طفل بوده‌اند) به دو میلیون جمعیت جوان و پر انرژی رسانده و در عوض يك میلیون و نیم نفر (یعنی يك دهم از کل جمعیت) را، آن هم از بین جوانان و مردم فعال، به خود کشیده است و صاحب چهار برابر جمعیت شده. در حالیکه طی این مدت نه عواید تهران به چهار برابر رسیده، نه گندم و آذوقه‌اش چهار برابر شده و نه وسیله زندگی را به چهار مقابل کشانده است.

این دو میلیون نفر جمعیت در تهران چه می‌کنند؟ در ابتدای امر، از هر کس بپرسید جواب خواهد داد روز و شب در تلاش است. صبح از ساعت هفت تا ظهر در فلان جا، از ساعت دو تا شش در فلان محل و شب‌ها هم بعضی ساعات کار دارد. به همین

جهت، این شخص از کلیه مراحل انسانیت و بشریت فرو مانده است. تفریح ندارد، روز از سرنوشت همسر و فرزند خود بیخبر است، فرصت ملاقات دوستان و آشنایان را به دست نمی‌آورد و حتی اگر همسایه‌اش بمیرد نمی‌داند که کیست؛ همانطور که وقتی خودش هم بمیرد کسی نخواهد پرسید که بود و چه شد...

همه این دو سه میلیون جمعیت، باید پرتقالشان از شهداد و شهسوار، گندمشان از همدان و خراسان و فارس، سیزی و کاهویشان از اهواز و سوختشان از مازندران یا خراسان برسد و حال آنکه نه تنها يك دهم از نیاز مملکت را تولید نمی‌کنند، بلکه به اندازه يك صدم نیاز خودشان هم کار تولیدی ندارند. بدتر از همه اینها، تهران قوه و انرژی شهرستان‌ها را می‌قاپد. هر کسی جوان است و استعداد کار دارد به تهران روی می‌آورد. زیرا شنیده است که در تهران روزانه مبلغی پول به آدم می‌دهند و به تهران که آمد، می‌شود عضو عاطل و باطل. یعنی اگر در شهر خود سالی چند من گندم و جو به دست می‌آورد، یا کار تولیدی داشت و مثلاً بز و گوسفندی را می‌پرورانید، در اینجا هیچ کاری از این‌گونه نیست

و...»

این تصویر کوتاه از تهران بیست و چند سال پیش، امروز هم مصداقی کاملاً عینی دارد. با این تفاوت که اگر آن روزها فقط يك دهم از کل جمعیت کشور در تهران سکونت داشتند، در حال حاضر رقمی نزدیک به ده میلیون نفر از جمعیت مملکت در این شهر ساکنند و روزانه چند هزار نفر هم به تعدادشان افزوده می‌شود و به روایتی؛ این شهر بی‌در و پیکر که امروزه همه امکانات عمرانی، رفاهی، بهداشتی و... را به خود اختصاص داده، کعبه آرمان‌ها و آمال بسیاری از هموطنان روستائین یا ساکن در شهرهای کوچک کشورمان محسوب می‌شود و قطعاً تاکنون هر تهران‌نشین یا هر روستایی و شهرستانی علاقمند به زندگی در تهران بارها و بارها از خود پرسیده است که: «تهران»

۱. برشی از يك مقاله به قلم دکتر ابراهیم باستانی پاریزی که در سال ۱۳۴۱ در روزنامه اطلاعات و پس از آن در مجله خواندنیها به چاپ رسیده.

چگونه «تهران» شد؟ و این شهر بزرگ و پر جمعیت که روزگاری دراز فقط چند خیابان داشت و مجموع ساختمان‌های قابل توجهش از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد و دروازه‌هایی داشت که بعد از غروب آفتاب راه ورود به آن را بروی هر غریبه‌ای می‌بست چگونه این همه آباد، وسیع و پر جمعیت شد. این شهر که در گذشته‌ها به داشتن باغ‌ها و مزارع بزرگ شهرت داشت و مردمانش برای رفتن از يك گوشه شهر به گوشه دیگر ناچار به استفاده از اسب و الاغ یا درشکه (و این اواخر ماشین دودی) بودند، باغ‌هایش کجا رفت و چگونه اینهمه ماشین رنگ وارانگ را به خود پذیرفت؟

این سؤالات و هزاران پرسش مشابه دیگر بی‌شک وجود جواب‌هایی را ایجاب می‌کند و به پشتوانه همین انگیزه، چند تن از محققین و مؤلفین در گذشته‌های دور و نزدیک کوشیده‌اند تا حدودی پرده از چهره تهران برگیرند و گوشه‌هایی از آن را به علاقمندان آشنایی با سابقه شهر تهران و چگونگی زندگی، معیشت، صنعت، ارتباطات انسانی و... در آن بشناسانند، و شک نیست که تلاش این عده اگر چه در جای خود دارای ارزش و اهمیتی ویژه است، مع هذا آنچه انجام شده کافی به نظر نمی‌رسد. مخصوصاً که تهران در يك قرن اخیر به عنوان پایتخت کشور نقطه شروع و شیوع برنامه‌های غرب‌گرایانه حکومتگران وابسته به شرق و غرب بوده و در این میان بسیاری از داشته‌های اصیل فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی فدای مطامع حکومتگران شده و متأسفانه کسانی که در گذشته به تحقیق پیرامون گذشته تهران و فراز و فرودهای آن پرداخته‌اند، به هزار و يك دلیل که جای بحثش در اینجا نیست، یا نخواسته‌اند یا نتوانسته‌اند این مهم را مورد نگرش قرار دهند و به همین جهت نمایی که از تهران به دست داده‌اند بیشتر انتزاعی و شامل يك سری کلی‌گویی‌های تاریخی است و طبیعتاً در شرایط حاضر نمی‌تواند آنگونه که باید و شاید مدد رسان کسی برای آشنایی با پیشینه واقعی تهران باشد.

این مسأله از يك سو و علاقمندی نویسنده به کسب اطلاعاتی (حداقل شخصی) برای آشنایی با راز و رمز اینکه تهران چگونه تهران شد، مقدمات

۲. افرادی نظیر سمید نفیسی، علی جواهر کلام، حجت بلاغی، دکتر حسین کریمان، جودت، جعفر شهری، ناصر نجمی و... از جمله کسانی هستند که تحقیقاتی پیرامون تهران انجام داده‌اند.

تحقیقی را که در صفحات آینده خواهد آمد. فراهم ساخت و آشنایی با یکی از عکاسان خوب و خونگرم مطبوعات، محمد ذبیحیان که مجموعه نسبتاً کاملی از عکس‌های روزگاران از یاد رفته تهران را در اختیار داشت و نیز تمایل و علاقمندی فتح‌الله جوادی، سردبیر مجله اطلاعات هفتگی که بی‌مضایقه می‌توان گفت شکل‌گیری این تحقق مدیون تشویق‌های اوست، وسیله‌ای شد تا صفحاتی از آن مجله به چاپ پیاپی گزارش‌هایی از سیمای دیروز و امروز تهران اختصاص یابد^۳ و همانگونه که انتظار می‌رفت از هنگام چاپ بخش‌های نخستین این تحقیق سیل تلفن‌ها، نامه و پیام‌های محبت‌آمیز و آمیخته با مهر خوانندگان به سوی صاحب این قلم سرازیر شد و حتی عده زیادی از کسانی که سند، مدرک یا مأخذی پیرامون گذشته تهران در اختیار داشتند تمایل خود را برای تحویل اسناد و مدارکشان به نویسنده اعلام داشتند که همین کار تا حدود زیادی بر غنای منابع و مأخذ قابل دسترسی افزود و جا دارد در این وجیزه از همه آنهایی که محبت‌هایشان شامل حال نویسنده بود قدردانی شود و نیز ذکر خیری به عمل آید از عکاسان هنرمند افشین شاهرودی، اصغر خاکپور و به‌ویژه برادر خوبم محمدحسین حسن‌بیگی که موجبات افزوده شدن عکس‌های جدیدی را به عکس‌های فراهم آمده توسط ذبیحیان فراهم ساختند و ندیده نمی‌توان گرفت محبت واقعاً خالصانه مسئولان روابط عمومی پاره‌ای از سازمان‌های دولتی را که از هیچ همکاری با نویسنده خودداری نکردند و هر آنچه را که مرتبط با شکل‌گیری و تکامل سازمان متبوعه‌شان بود به راحتی ارائه دادند و صد البته در مواردی نویسنده با بی‌مهری‌ها و سردواندن‌هایی نیز از سوی بعضی کسانی که می‌توانستند اطلاعاتی در اختیارش قرار دهند و ندادند مواجه شد، که جای گله‌ای نیست و اگر هم باشد حوصله‌ای نیست.

به هر حال، با لطف مدیر محترم انتشاراتی ققنوس و جهت جوابگویی به خواست آن گروه از خوانندگانی که خواستار در اختیار داشتن مجموعه مقالات در یک دفتر جداگانه بودند و نیز تأمین مأخذی مطمئن برای همه دیگر

۳. چاپ این تحقیق از شماره نوزده سال ۱۳۶۳ در مجله اطلاعات هفتگی آغاز و در شماره نوزده سال ۱۳۶۴ به پایان رسید.

علاقه‌مندان مطالعات تاریخی، جغرافیایی و مردم‌شناسی این کتاب متولد شد و بعد از تجدید نظری بر مطالب به چاپ آمده قبلی و افزوده‌هایی بر آن، روانه چاپخانه گردید و اینک در معرض قضاوت و داوری شماست.

شك نیست این تحقیق همانند هر کار تحقیقی دیگر خالی از عیب و نقص نمی‌تواند باشد و نویسنده قبل از آنکه چشم انتظار دیده فرو بستن خوانندگان بر معایب و نواقص باشد، متوقع است تا آگاهان نقطه ضعف‌هایش را بنمایند و با دانسته‌های خود وسایل تکمیل آن را در چاپ‌های بعدی فراهم سازند و در پایان، گفتنی است که با انتشار این کتاب نقطه ختم بر تحقیق پیرامون تهران گذاشته نشده و چنانچه هنوز کسانی باشند که بخواهند دست نیاز نویسنده این سطور را بفشارند، از محبت‌هایشان استقبال می‌شود. مضافاً به اینکه انجام چنین تحقیقاتی در این حد نباید متوقف بماند و تهیه شناسنامه‌هایی برای تک‌تک شهرستان‌های ایران ضروری است و اگر عمری بود و این کتاب قرار شد جلد دومی هم داشته باشد بدیهی است که ترسیم سیمای دیگر شهرهای کشورمان نیز ادامه خواهد یافت.

م. حسن بیگی